

## مقایسه رفتارهای محیط زیستی بین گروه‌های قومی مطالعه موردی: اقوام آذری، تالش و گیلک در استان‌های گیلان و اردبیل

محبوبه محجوبی دریاکناری، کارشناسی ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی، دانشگاه مازندران، ایران

mahjoobi.mahboobeh@gmail.com

احمد رضایی، دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه مازندران، ایران\*

rezaei@umz.ac.ir

صادق صالحی، دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه مازندران، ایران

s.salehi.umz@gmail.com

### چکیده

رفتار محیط زیستی از مفاهیم جدید مطرح شده در بررسی‌های محیط زیستی جوامع مدرن است که طرح آن در بسیاری از رویکردهای محیط زیستی نشان‌دهنده اهمیت نقش این رفتارها در محیط طبیعی است. اقوام ایرانی به دلیل تفاوت‌های فرهنگی در رویارویی با محیط طبیعی رفتار زیست‌محیطی متفاوتی دارند. این طیف وسیع از برخورد نسبت به محیط زیست، از متغیرها و عوامل بی‌شماری تأثیر می‌گیرد که به‌طور عمده به محیط اجتماعی فرد مربوط می‌شود. هدف این پژوهش، مقایسه رفتارهای محیط زیستی بین اقوام آذری، تالش و گیلک است. پژوهش حاضر، به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده و از نظر هدف، کاربردی است. جامعه آماری آن شهروندان شهر اردبیل، تالش و رشت‌اند و از نمونه‌گیری متناسب با حجم استفاده شده است. برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه استفاده شده به وسیله دانلپ و ون‌لیسر (1978)، صالحی و امامقلی (۱۳۹۱)، مارکل (2013)، چو و کانگ (2016)، عقیلی و همکاران (۱۳۸۸) و صالحی و همکاران (۱۳۸۹) استفاده شده و روایی و پایایی آن محاسبه شده است. همچنین برای تحلیل فرضیه‌ها از فن معادلات ساختاری با استفاده از نسخه ۲۲ نرم‌افزار ایموس استفاده شد. نتایج نشان می‌دهند رفتارهای محیط زیستی بین اقوام آذری، تالش و گیلک متفاوت‌اند. همچنین بین قومیت آذری و گیلک تفاوت معناداری وجود دارد؛ یعنی میانگین رفتارهای محیط زیستی قومیت آذری با قومیت گیلک تفاوت دارد. به‌علاوه بین رفتارهای محیط زیستی قومیت آذری و تالش تفاوت معناداری وجود ندارد. از یافته‌های دیگر بین رفتارهای محیط زیستی و قومیت این است که تفاوت معناداری بین میانگین رفتارهای محیط زیستی قومیت گیلک و تالش وجود دارد؛ به عبارت دیگر، رفتارهای محیط زیستی قومیت گیلک در مقایسه با قومیت تالش تفاوت معناداری دارند.

واژه‌های کلیدی: رفتارهای محیط زیستی، گروه‌های قومی، سرمایه فرهنگی، نگرش محیط زیستی، آگاهی محیط زیستی

## مقدمه و بیان مسئله

اگرچه مدت‌هاست بشر متوجه اهمیت محیط زیست در زندگی خود شده است، امروزه تهدیدات محیط زیستی در مرکز مهم‌ترین پرسش‌های وجدان انسان قرن بیست و یکم قرار دارد (فیروزی، ۱۳۸۴: ۱۰). امروزه این پرسش‌ها افکار عمومی جهان را به‌طور نگران‌کننده‌ای به خود معطوف کرده‌اند و حساسیت شدیدی نسبت به محیط زیست در سطح جهانی به وجود آورده‌اند (امامقلی، ۱۳۹۰). در قرن حاضر، بسیاری از جامعه‌شناسان محیط زیستی، به رفتارهای محیط زیستی انسان به‌منزله یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین عوامل بر محیط زیست توجه کرده‌اند (صالحی و امامقلی، ۱۳۹۱: ۱۰۵)؛ برای مثال صالحی (۲۰۱۰) در کتاب مردم و محیط زیست می‌نویسد که برای حل مشکلات محیط زیستی باید شکل شیوه‌ها و رفتارهای تولیدی و مصرفی و همچنین شیوه‌های سازمان اجتماعی و زندگی فردی برای رسیدن به سطح سازگاری و تأثیر مثبت بر محیط زیست تغییر پیدا کنند. همچنین به اعتقاد بنسون (۱۳۸۲) تفاهمی عمومی در حوزه محیط زیست به وجود آمده است که نشان می‌دهد راه‌حل واقعی کاستن از مشکلات و مسائل محیط زیست باید انسان و کنش‌های انسانی را شامل شود و به آنها متکی باشد.

در هر جامعه‌ای افراد می‌توانند برخورد کاملاً مسئولانه یا کاملاً غیرمسئولانه یا رفتاری بینابین نسبت به محیط زیست داشته باشند. این طیف وسیع از برخورد نسبت به محیط زیست، از متغیرها و عوامل بی‌شماری تأثیر می‌گیرد که به‌طور عمده به محیط اجتماعی فرد مربوط‌اند (عقیلی و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۳۷). پژوهشگران اجتماعی داخلی از جمله سبزه‌ای و همکاران (۱۳۹۵)، محمدی (۱۳۹۳)، صالحی و امامقلی (۱۳۹۱)، نواح و همکاران (۱۳۹۰) و در خارج از کشور پژوهشگرانی از جمله چو و کانگ<sup>۱</sup> (۲۰۱۶)، ماسیاس<sup>۲</sup> (۲۰۱۵)، مارکل<sup>۳</sup> (۲۰۱۳) و جونز<sup>۴</sup> (۲۰۱۰) رابطه متغیرهایی از جمله

آموزش، گردشگری، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، دینداری و ... را با رفتارهای محیط زیستی بررسی کرده‌اند. اگرچه عوامل گوناگونی با رفتارهای محیط زیستی ارتباط دارند و بررسی شده‌اند، یکی از متغیرهای بررسی نشده، رفتارهای محیط زیستی بین گروه‌های قومی است.

در جهان فرهنگ‌های گوناگونی وجود دارند که بی‌گمان تفاوت‌های چشمگیری با یکدیگر دارند؛ زیرا به نسبت نوع نگرش به جهان، انسان و رابطه او با طبیعت، یک جامعه گرایش‌ها، شناخت‌ها و رفتارهای متفاوتی پیدا می‌کند؛ البته این گرایش‌ها و رفتارها، اجزای فرهنگی آن جامعه را تشکیل می‌دهند و قومیت نیز جزء آن محسوب می‌شود (کاشفی، ۱۳۸۷ به نقل از آزادمرکی و ممتازجهرمی، ۱۳۹۲: ۳۲). هرچند موضوع اقوام و تنوع آن در ادبیات قومی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایران موضوع جدیدی نیست، برخی تحولات و جریان‌های اجتماعی ایجادشده در سال‌های اخیر به‌گونه‌ای سبب ارتباطات گسترده‌تر و تعامل هرچه بیشتر اقوام شده است و این موضوع را برجسته‌تر از قبل کرده است؛ اما جدای از این مباحث تحولات دیگری هم بین اقوام رخ داده‌اند که هشدارهای برای آینده ایران محسوب می‌شوند. مسائلی همچون خشک‌شدن دریاچه ارومیه و اعتراضات مردمی و درگیری‌های قومی، پروژه انتقال آب از دریاچه خزر به سمنان و نزاع شکل‌گرفته بین اقوام محلی سمنان و مازندران، درگیری قومی درباره انتقال آب رودخانه در چهار محال بختیاری (خبرگزاری ایلنا، ۱۳۹۵). همچنین در برخی مطالعات خارجی که تنوع قومی در رفتارهای محیط زیستی را بررسی کرده‌اند، نتایج زیر حاصل شده‌اند: برای مثال نتایج پژوهش داس و دیرنزو<sup>۵</sup> (۲۰۰۹) نشان می‌دهند کشورهای دارای سطوح متوسط تنوع قومی، عملکرد محیط زیستی درگیر، خلاق، نوآورانه و کارآمد دارند و کشورهای دارای سطوح تنوع قومی پایین، به‌طور معمول از عملکرد محیط زیستی ضعیف، انسجام اجتماعی پایین و ناهنجاری‌های اجتماعی رنج می‌برند. نتایج پژوهش ماسیاس (۲۰۱۵) نشان می‌دهند رقابت در گروه‌های قومی ممکن است

<sup>1</sup> Cho & Kang

<sup>2</sup> Macias

<sup>3</sup> Markle

<sup>4</sup> Jones

<sup>5</sup> Das & DiRienzo

دختر دانشگاه قم» را براساس نظریه بامبرگ و موزر درباره عوامل تأثیرگذار بر رفتار محیط زیستی انجام دادند. روش پژوهش به صورت پیمایش بوده و از پرسش‌نامه برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. نمونه مطالعه شده ۳۷۰ نفر بوده و از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند بین متغیرهای آگاهی محیط زیست، نگرش محیط زیستی، تمایل به رفتار محیط زیستی و رفتارهای حامی محیط زیست رابطه معناداری وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیونی نشان می‌دهند سه متغیر مستقل باقی‌مانده در مجموع تنها ۲۰/۶ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کنند.

جانسون و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) پژوهشی با عنوان «تنوع قومی در اعتقاد و رفتار محیط زیستی: سؤال از پارادایم نوین محیط زیستی در یک زمینه روان‌شناسی - اجتماعی» را انجام دادند. آنها با استفاده از داده‌های سطح ملی، باورها و رفتارهای محیط زیستی را با تکیه بر تنوع قومی بررسی کردند. داده‌های این پژوهش از نظرسنجی تلفنی تصادفی از ۵۰,۰۰۰ خانوار به دست آمده است و متغیرهای سنجیده شده در آن که از پارادایم جدید محیط زیستی و تنوع قومی برگرفته شده‌اند، عبارت‌اند از: خواندن مطالب محیط زیستی، بازیافت خانگی، پیوستن به گروه محیط زیستی و شرکت در تفریح فضای باز مبتنی بر طبیعت. یافته‌ها نشان می‌دهند به‌طور کلی، گرایش متولدندان آمریکایی آسیایی تبار و آمریکای لاتین به محیط زیست، بیشتر به سفیدپوستان شبیه است و آمریکایی‌های آفریقایی تبار رفتار محیط زیستی پایینی نسبت به سفیدپوستان دارند.

وی‌دراس و بوردونی<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) پژوهش «ناهمگونی قومی و اجرای مقررات محیط زیستی» را با انجام دادند. هدف، بررسی ارتباط بین اجرای اداری از مقررات محیط زیستی، ناهمگونی قومی و ویژگی‌های جامعه‌های دیگر در نیوجرسی و نیویورک در طول سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۹۹ بود. روش پژوهش پیمایش بوده است و اطلاعات با پرسش‌نامه

گواهی مؤثر برای توجه به گسترش درک محیط زیست در سراسر جمعیت باشد. این نتایج این مسائل را برجسته می‌کنند که در آینده نه چندان دور، متغیر قومیت از جمله متغیرهای مهم در تأثیرگذاری بر مسائل محیط زیستی می‌شود.

از این رو، پژوهش حاضر با این پیش‌فرض که رفتارهای محیط زیستی بین گروه‌های قومی ایران یکسان نیست، درصدد است با بررسی رفتارهای محیط زیستی بین سه گروه قومی (آذری، تالش و گیلک) در دو استان گیلان و اردبیل، این رفتارها را بین آنها مقایسه کند و این تلاش را گامی به سوی توجه به رفتارهای محیط زیستی و بازگشت به رویکرد تطبیقی و پرهیز از کلی‌نگری نسبت به رفتارهای جمعیتی می‌داند. بر این اساس سؤال اساسی این پژوهش چنین است:

آیا بین گروه‌های قومی آذری، گیلک و تالش از نظر رفتارهای محیط زیستی تفاوت وجود دارد؟

### پیشینه تجربی

صالحی و همکاران (۱۳۸۹) پژوهشی با عنوان «بررسی نقش جنسیت در جهت‌گیری‌های محیط زیستی در شهر ارومیه» انجام دادند. هدف آنها تبیین تفاوت‌های احتمالی میان نگرش محیط زیستی زنان و مردان در شهر ارومیه در پرتو نظریه اکوفمینیستی با روش پژوهش پیمایش بود. یافته‌ها نشان می‌دهند افراد بررسی شده در نگرش محیط زیستی بالایی کسب کرده‌اند و جنسیت متغیر تأثیرگذاری بر نگرش محیط زیستی افراد نیست. همچنین نظریه اکوفمینیستی مبنی بر حمایت بیشتر زنان از موضوعات محیط زیستی، از نظر تجربی تأیید نمی‌شود. این امر نشان می‌دهد می‌توان نقش دین را در همه فرایندهای فردی و اجتماعی در جامعه ایرانی شناسایی کرد و تمایزگذاری بین زن و مرد در بحث آموزه‌های اخلاق دینی و انسانی درباره اجتماعی شدن کم‌رنگ است.

سبزه‌ای و همکاران (۱۳۹۵) پژوهش «بررسی رابطه بین آگاهی، نگرش و رفتارهای حامی محیط زیست دانشجویان

<sup>1</sup> Johnson et al.

<sup>2</sup> Videras & Bordoni

نفر است و در آن قومیت در سه حوزه بررسی شده است: الف) نگرش حامی محیط زیست، ب) رفتارهای حامی محیط زیست، ج) ارتباط بین نگرش حامی محیط زیست و رفتار حامی محیط زیست. نتایج این پژوهش نشان‌دهنده تفاوت معنادار در همبستگی بین گروه‌های قومی، نگرش و رفتار و گرایش‌های محیط زیستی است. این یافته‌ها نشان می‌دهند قومیت تنها پیش‌بینی‌کننده قوی وضعیت محیط زیستی نیست؛ بلکه این احتمال وجود دارد که نگرش فرد حامی محیط زیست به رفتارهای حامی محیط زیست تبدیل شود.

ماسیاس (2015) پژوهشی با عنوان «ادراک خطر محیط زیستی در میان گروه‌های قومی در ایالات متحده» انجام داد. هدف او بررسی سطوح متفاوت ادراک خطر محیط زیستی میان ۹ ایالت آمریکا بود. یافته‌ها نشان می‌دهند الگوی غالب خطر بیشتر میان غیرسفیدپوستان نسبت به سفیدپوستان بین نسل‌ها در ایالات متحده متفاوت است. عوامل سن، جنس، درآمد خانوار، آموزش و پرورش، دیدگاه سیاسی، محل اقامت روستایی و شهری تأثیرگذارند؛ البته معیارهای دیگر اجتماعی مانند ثروت انباشته شده، مزایای شبکه‌های اجتماعی و اندازه محله احتمالاً نقش مهمی در درک خطر محیط زیستی دارند؛ با این حال شواهد نشان می‌دهند رقابت در گروه‌های قومی ممکن است به منزله گواهی مؤثر برای توجه به گسترش درک محیط زیست در سراسر جمعیت باشد.

مجموعه‌ای از پژوهش‌های خارجی و داخلی در حوزه شناخت رفتار محیط زیستی انجام شده‌اند که هر کدام از جنبه‌های مختلف و با متغیرهای مستقل خاصی این موضوع را بررسی کرده‌اند. وجود این پژوهش‌ها چه در داخل و چه در خارج از کشور بیان‌کننده اهمیت مسئله محیط زیست است؛ زیرا از دیدگاه‌های متنوعی در سطوح محیط زیستی، اقتصادی و اجتماعی برای تبیین مسئله استفاده کرده‌اند. در مرور پژوهش‌های مطرح شده، پژوهشگر به دلیل نبود پژوهش‌های داخلی مرتبط با موضوع مطالعه شده، از پژوهش‌های نزدیک به موضوع مطالعه خود استفاده کرده است. این پژوهش با پژوهش‌های داخلی

جمع‌آوری شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهند پس از کنترل درون‌زای جمعیت غیرسفید، ناهمگونی قومی با مجازات‌های اداری تحمیل شده بر متخلفان ارتباط مثبتی دارد. این نتیجه ممکن است به دلیل این واقعیت باشد که در این جوامع احتمال وجود هماهنگی قوی‌تر برای ایجاد همبستگی میان گروه‌های قومی و اجرای مقررات کمتر است و نژاد ممکن است بر اجرای مقررات محیط زیستی تأثیر بگذارد. همچنین توزیع خطرات محیط زیستی به طور انحصاری با درصدی از اقلیت‌ها به وجود نمی‌آید؛ بلکه از طریق ترکیب قومی جامعه ایجاد می‌شود. به علاوه مجازات در جوامع با درآمد سرانه بالاتر، بیشتر از ساکنان در مناطق شهری است و مجازات در جوامعی کمتر است که بیشتر افراد آن در معرض خطر در محیط‌های آلوده‌اند. در نهایت، تأثیر قومیت فراتر از فرضیه نژادپرستی از محیط زیست است.

داس و دیرنزو (2009) پژوهش «آیا تنوع قومی برای محیط زیست خوب است؟» تحلیلی از کشورها را انجام دادند و از داده‌های بین‌کشوری برای اثبات وجود رابطه غیرخطی بین عملکرد محیط زیستی و تنوع قومی با استفاده از شاخص عملکرد محیط زیستی توسعه‌یافته استفاده کردند. این مطالعه با استفاده از شاخص عملکرد محیط زیستی (EPI)، عملکرد محیط زیستی ۱۴۹ کشور را ارزیابی کرده است. نتایج نشان می‌دهند کشورهای با سطوح متوسط تنوع قومی، عملکرد محیط زیستی درگیر، خلاق، نوآورانه و کارآمد دارند و کشورهای با سطوح تنوع قومی پایین به‌طور معمول از عملکرد محیط زیستی ضعیف، انسجام اجتماعی پایین و ناهنجاری‌های اجتماعی رنج می‌برد.

الیس و کوزرنی<sup>۱</sup> (2012) پژوهشی با عنوان «سیاه، سفید یا سبز: نفوذ قدرتمند قومیت در نگرش و رفتارهای حامی محیط زیست» انجام دادند. آنها رابطه نگرش و رفتار از طریق لنز فرهنگی را بررسی و تمایلات رفتار حامی محیط زیست را در پنج گروه قومی مقایسه کردند. نمونه این مطالعه شامل ۲۵۰۰

<sup>1</sup> Ellis & Korzeny

محیط اجتماعی فرد مربوط می‌شود (عقیلی و همکاران، ۱۳۸۸). پایه‌گذاری مفهوم رفتار محیط زیستی، مقیاسی متشکل از مجموعه پژوهش‌های انجام شده درباره محیط زیست است که برای اولین بار استرن و همکاران (1997) آن را مطرح کردند. براساس این دیدگاه، رفتار محیط زیستی اثرات جالب توجهی بر وسعت ساختار و پویایی اکوسیستم می‌گذارد. این رویکرد اولیه در شناسایی پیامدهای مهم رفتار محیط زیستی انسان و پس از آن در تعیین پیامدهای فعالیت‌ها نقش دارد (Stern, 2000: 408). مارکل (2013) با بررسی ۴۹ پژوهش نشان می‌دهد ۴۲ اقدام منحصربه‌فرد از رفتار محیط زیستی، نشان‌دهنده وجود داشتن ثبات میان متغیرها و ابعاد مختلف رفتار محیط زیستی است. مارکل با بررسی این موضوع اقدام به ایجاد و توسعه مقیاس رفتار محیط زیستی (SEB) کرده است. او مؤلفه‌های اصلی مقیاس (SEB) را در چهار بعد و ۱۹ گویه تقسیم‌بندی کرده است: حفاظت، شهروند محیط زیستی، غذا و حمل و نقل. الف) حفاظت: حفاظت، مجموعه رفتارهایی از جمله حفظ منابع تجدیدناپذیر را شامل می‌شود. ب) شهروند محیط زیستی: درجه محیط زیستی بودن شهروندان از متغیرهای تأثیرگذار بر رفتارهای محیط زیستی است. ج) غذا: سطوح بالاتر شهروندان حامی محیط زیست، به احتمال زیاد در پی کاهش مقدار مصرف گوشت‌اند. پیش‌بینی شده است کاهش مصرف گوشت جهانی، به‌طور جالب توجهی بر کاهش تغییرات آب و هوا تأثیر بگذارد (Stehfest et al., 2009). د) حمل و نقل: از عوامل مستقیم تأثیرگذار بر تغییرات آب و هوایی، استفاده از وسائل حمل و نقل ماشینی است (Markel, 2013: 909). مقیاس رفتار محیط زیستی (SEB)، متشکل از رفتارهایی است که بیشترین عمده‌ترین تأثیر را بر محیط زیست دارند (Estern, 2000).

### نگرش جدید به محیط زیست

نگرش‌ها را می‌توان گونه‌ای از سیستم‌های پیچیده و منظم عقیدتی دانست که انسان‌ها را به‌طور ذاتی آماده انجام

مطرح شده در پیشینه تفاوت مشهودی دارد؛ زیرا در پی شناخت رابطه قومیت با رفتار محیط زیستی است. با مرور و بررسی انجام شده در پیشینه پژوهش‌های گذشته، مطالعه‌ای یافت نشد که به صورت مستقیم رابطه قومیت با رفتار محیط زیستی را بررسی کرده باشد؛ بنابراین، پژوهشگر برای اولین بار چنین مطالعه‌ای با این موضوع را بین اقوام آذری، گیلک و تالش در استان‌های گیلان و اردبیل ارزیابی می‌کند؛ با این حال از مطالعات خارجی ایده گرفته است.

### چارچوب نظری

#### رفتار محیط زیستی

جامعه‌شناسی محیط زیست از زمان ظهورش عبارت بود از یک رشته دانشگاهی مستقل که در دهه ۱۹۷۰ دو مرحله را پشت سر گذاشت. در مرحله اول وظیفه نظری اصلی، شناسایی عامل کلیدی یا مجموعه‌ای از عوامل مرتبط به هم بود که بحران مداوم از فرسایش و تخریب محیط زیست را به وجود آورده بود. به‌تازگی نیز تغییر چشمگیری به‌سوی وظیفه‌ای دیگری صورت گرفته است؛ کشف سازوکارهای کارآمدتر اصلاح یا بهبود محیط زیستی که مسیر آینده برای شرایط اجتماعی امن‌تر و دوستانه‌تر محیط زیستی را ترسیم خواهد کرد (Hanigan, 2006: 25). با ایجاد حساسیت نسبت به مسائل محیط زیستی، پژوهشگران از رشته‌های گوناگون طرح‌های متفاوتی برای رویارویی با این مشکلات ارائه می‌کردند که بیشتر آنها ماهیت فناورانه داشت؛ ولی امروزه با توجه به هزینه‌های زیاد اینگونه طرح‌ها، توجهات به تغییر و دگرگونی شیوه‌های زندگی مردم جلب شده است و طرح‌هایی با تمرکز بر رفتار انسان‌ها ارائه می‌شوند (Salehi, 2010). در هر جامعه‌ای افراد برخورد به نسبت مشخصی درباره محیط زیست از خود نشان می‌دهند که ممکن است این برخورد کاملاً مسئولانه یا کاملاً غیرمسئولانه یا رفتاری بینابین این دو باشد. این طیف وسیع از برخورد نسبت به محیط زیست، از متغیرها و عوامل بی‌شماری تأثیر می‌گیرد که به‌طور عمده به

ارزش‌های تکنومحور قرار می‌دهد. مطابق با جهان‌بینی زیست‌محور، افراد دارای ارزش‌های زیست‌محور (ارزش‌های ذاتی محیط زیست) تمایل بیشتری به توجه نسبت به محیط زیست (و انجام رفتار مناسب نسبت به محیط زیست) دارند. همچنین مطابق با جهان‌بینی تکنومحور می‌توان راه‌حلی برای مشکلات محیط زیستی مهیا کرد؛ از این رو، افراد دارای جهان‌بینی تکنومحور کمتر مراقب محیط اطراف خود هستند (Barr, 2003: 233). دانلپ و ون‌لییر مقیاسی ۱۵ گویه‌ای برای سنجش نگرش محیط زیستی ساختند که نمره‌ها بالا در این مقیاس نشان‌دهنده جهت‌گیری زیست‌بوم‌گرایانه است و سبب شکل‌گیری باورها و نگرش‌های محیط‌زیست‌گرایانه می‌شود. چنین باورها و نگرش‌هایی به نوبه خود بر رفتار تأثیر می‌گذارند (Kaiser et al., 1999).

#### قوم و گروه‌های قومی

توجه فزاینده به موضوع قومیت در شاخه‌های گوناگون علوم اجتماعی از اواسط دهه ۱۹۷۰ میلادی، این مقوله را از حد یک موضوع به سطح رشته‌ای خاص رسانده است؛ در حالی که مطالعات مربوط به قومیت در اوایل قرن بیستم به انسان‌شناسی و تا اندازه‌ای به جامعه‌شناسی محدود بود، در اواخر این قرن در شاخه‌های دیگر علوم اجتماعی از جمله علوم سیاسی و به‌ویژه دو رشته فرعی آن یعنی جامعه‌شناسی سیاسی و روابط بین‌الملل نیز چنین بررسی‌هایی مشاهده شده‌اند. آنچه درباره مفهوم قوم و قومیت باید بدان توجه داشت، این است که قومیت آن وجه از قوم با دو ویژگی زیر است: ۱- سازمان اجتماعی و فرهنگی منحصربه‌فرد، ۲- وجود گرایش سیاسی مشخص نسبت به حکومت مرکزی. در ایران عموماً با دیده قوم روبه‌رو هستیم تا قومیت. برخی اقوام همانند کردها، عرب‌ها و ترکمن‌ها تا حدودی گرایش‌های قومیتی داشته‌اند. تبارشناسی مفهوم قومیت نشان می‌دهد واژه «قومی» در فرهنگ غربی، بار ارزشی معادل کفر و موهومات کفرآمیز و نیز غیرمسیحیان و غیرکلیمیان که به مسیحیت

واکنش‌های رفتاری خاص می‌کنند و بر همه ابعاد رفتار بشری تأثیر می‌گذارند. بر این اساس نگرش آنچنان که در ذهن تداعی پیدا می‌کند، امر ساده‌ای نیست؛ بلکه امری پیچیده است که بر رفتارها تأثیر می‌گذارد (کولتزر، ۱۳۶۹). همچنین به اعتقاد بنسون (۱۳۸۲) تفاهمی عمومی در حوزه محیط زیست به وجود آمده است. این تفاهم نشان می‌دهد راه‌حل واقعی کاستن از مشکلات و مسائل محیط زیست باید انسان و کنش‌های انسانی را شامل شود و به آنها متکی باشد؛ از این رو، یکی از ابعاد مطالعه شده زندگی انسان معاصر نگرش و رفتارهای محیط زیستی است. برای بررسی و اندازه‌گیری نگرش عمومی نسبت به محیط زیست و طبیعت، مقیاسی با نام پارادایم جدید محیط زیستی (NEP) تشکیل شده است که اول به صورت ۱۲ آیتم بود و بعدها به ۱۵ آیتم رسید و کامل‌تر شد. امروزه پارادایم جدید محیط زیستی به پرستفاده‌ترین مقیاس برای سنجش جهان‌بینی محیط زیستی (اکولوژیکی) تبدیل شده است. برای نخستین بار دانلپ و ون‌لییر<sup>۱</sup> (1978) در اواسط دهه ۱۹۷۰ این پارادایم را مطرح کردند که مقیاس اصلی آن سه بعد دارد: الف) موازنه طبیعت (برای مثال: انسان باید در زندگی برای زنده ماندن با طبیعت هماهنگی داشته باشد). ب) ضد انسان‌محوری (برای مثال: به وجود گیاهان و حیوانات در درجه اول برای استفاده انسان توجه می‌شود). ج) محدودیت رشد (برای مثال: جامعه صنعتی ما به دلیل محدودیت رشد، نمی‌تواند فراتر از آن گسترش یابد)؛ اما طی بازنگری‌های انجام شده، عناصر دیگری نیز به این مقیاس افزوده شدند که شامل استثناگرایی بشر (برای مثال: این ایده که موجودات انسانی از محدودیت‌های طبیعی مستثنی‌اند) و بحران بوم‌شناختی (برای مثال: دغدغه درباره وقوع تغییرات محیط زیستی بالقوه فاجعه‌آمیز است) بود (Danlap, 2008). بار (2003) معتقد است نگرش جدید مطرح شده از طرف دانلپ و ون‌لییر (1978) و دانلپ و کاتن (2000) نگرشی است که ارزش‌های زیست‌محور را در برابر

<sup>1</sup> Dunlap & Van Liere

سرمایه فرهنگی بورديو می‌نویسد: این سرمایه بیشتر از خاستگاه طبقه اجتماعی مردم و تجارب آموزشی‌شان سرچشمه می‌گیرد. در این بازار، انسان‌ها سرمایه‌شان را جمع می‌کنند و آن را یا برای بهبود جایگاه اجتماعی‌شان هزینه می‌کنند و یا جایگاهشان را از دست می‌دهند و سبب می‌شود جایگاهشان در چارچوب اقتصاد فرهنگی وخیم‌تر شود. هایس<sup>۲</sup> (2004) اصطلاح سرمایه فرهنگی را بازنمای جمع نیروهای غیراقتصادی مثل زمینه خانوادگی، طبقه اجتماعی، سرمایه‌گذاری‌های گوناگون و تعهدات نسبت به تعلیم و تربیت، منابع مختلف و مانند آنها می‌داند که بر موفقیت آکادمیک (علمی یا تحصیلی) تأثیر می‌گذارد. سرمایه فرهنگی، صلاحیت در فرهنگ پایگاه‌ها، گرایش‌ها و ایده‌ها تعریف و بیشتر سازوکاری مهم در بازتولید سلسله‌مراتب اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. تمرکز اصلی سرمایه فرهنگی این است که فرهنگ از طریق سیستم آموزشی که بازتاب فرهنگ طبقه حاکم است، انتقال می‌یابد و تشویق می‌شود و در نهایت موجب بازتولید همان فرهنگ خواهد شد. برکس و فولک واژه سرمایه فرهنگی را برای اشاره به قابلیت‌های انعطاف‌پذیر جوامع انسانی برای بررسی محیط زیست و اصلاح آن به کار می‌برند (تراسی، ۱۳۸۲). بورديو، سرمایه فرهنگی را در ابعاد مختلف آن (تجسم یافته، عینیت یافته و نهادینه شده) تفکیک و آن را به گونه‌ای عمیق بررسی کرده است (به نقل از حاجی‌زاده‌میمندی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱).

در این پژوهش رفتار زیست محیطی سه قوم آذری، گیلک و تالش بررسی شده است. در ادامه این سه قوم توصیف می‌شوند:

الف) آذری: اصطلاح آذری با نام آذربایجان همراه است. آنچه از تاریخ برمی‌آید این است که نخستین بار از نظر تباری و قومی در قرن سوم هجری و از نظر زبانی در قرن چهارم هجری به وجود آمده است (کاتبی، ۱۳۶۹: ۵۵). آذری‌ها بزرگ‌ترین اقلیت قومی در ایران‌اند که در شمال غربی ایران و

نگریده‌اند مانند کفار و بت‌پرستان مخالف یهودیت و مسیحیت، داشته است و بعدها به سمت ارجاع به ویژگی‌های جسمی و گروه‌های نژادی میل کرده است (احمدی، ۱۳۸۷: ۳۰). همچنان که در مطالعات معاصر بررسی‌ها درباره گروه‌های قومی نشان می‌دهند بیش از ۷۰ درصد مطالعات بر «جامعه سیاه» تمرکز داشته‌اند (محرابی و عزیززاده‌طسوج، ۱۳۹۴). قوم به گونه‌های مختلفی تعریف می‌شود: ۱- قوم از واژه یونانی Ethnos به معنای مردم و ملت گرفته شده است (پانوف و پرن، ۱۳۹۲: ۱۱۲). ۲- تئودورسن<sup>۱</sup> (1969) در فرهنگ جدید جامعه‌شناسی خود، قوم را چنین تعریف می‌کند: گروهی با سنت فرهنگی مشترک و احساس هویتی که آن را یک گروه فرعی از یک جامعه بزرگ‌تر مشخص می‌کند و اعضای هر گروه قومی از لحاظ ویژگی‌های خاص فرهنگی، از سایر اعضای جامعه خود متمایزند. ۳- رمضان‌زاده (۱۳۷۵) پنج ویژگی را برای گروه قومی برمی‌شمارد: الف) داشتن سرزمین اجدادی و پیشینه‌های زیست‌شناختی و زبانی مشترک. ب) داشتن پیوند فرهنگی. ج) قرارگرفتن درون واحد سیاسی. د) حس خود. ه) هویت‌یابی با گروه یا حس آگاهانه تعلق به گروه. او همکاری اجتماعی و حس هویت خود را مهم‌ترین عناصر فرض می‌کند و معتقد است این حس تنها در تعارض و برخورد جمعی با گروه‌های دیگر به وجود می‌آید و فعال می‌شود و روح حیات جمعی را به گروه تزریق می‌کند.

همان‌طور که بیان شد، از ویژگی‌های مهم قومیت‌ها، وجود تفاوت‌های فرهنگی بین اقوام است که در این پژوهش از سرمایه فرهنگی برای بررسی این موضوع استفاده شده است. سرمایه فرهنگی اصطلاحی جامعه‌شناختی است که بورديو آن را در سال ۱۹۷۳ مطرح کرد. او سرمایه فرهنگی را دانشی (شناختی) می‌داند که افراد را قادر به تفسیر کدهای فرهنگی گوناگون می‌کند (روحانی، ۱۳۸۸). به نظر بورديو، سرمایه فرهنگی برآیند ترکیبی از سرمایه اقتصادی و به‌کارگیری عادت‌واره‌هاست. ریتزر (۱۳۷۴) در توضیح نظریه

<sup>2</sup> Hayes

<sup>1</sup> Theodorson

ذکر شده، لازم است جمعیت آماری پژوهش، با چارچوب نظری و فرضیه‌های مناسب مشاهده و بررسی شود. برای بررسی رفتارهای محیط زیستی و گروه‌های قومی از مفاهیم متعددی استفاده می‌شود؛ بنابراین، پژوهشگر بعد از مطالعه و بررسی نتیجه گرفت که چارچوب نظری پژوهش حاضر را مفاهیم ارائه شده در بخش نظری پژوهش مدنظر قرار دهد. در این پژوهش از متغیرهایی همچون پارادایم جدید محیط زیستی (ابزاری مناسب برای سنجش نگرش مربوط به محیط زیست و توضیح رفتارهای محیط زیستی میان اقوام گیلک، تالش و آذری)، آگاهی محیط زیستی (ابزاری مناسب برای بررسی آگاهی، نگرش مثبت و تأثیرگذار بر رفتارهای محیط زیستی اقوام گیلک، تالش و آذری)، سرمایه فرهنگی (این مفهوم با استفاده از سه مؤلفه سرمایه فرهنگی تجسم یافته، سرمایه فرهنگی عینیت یافته و سرمایه فرهنگی نهادی میان گروه‌های قومی سنجیده شده است) و رفتار محیط زیستی (ابزاری مناسب برای بررسی رفتارهای دارای بیشترین و عمده‌ترین تأثیر بر محیط زیست میان اقوام گیلک، تالش و آذری) استفاده شده است.

### الگوی نظری پژوهش

با توجه به مبانی مفهومی و نتایج پژوهش‌های پیشین الگوی نظری پژوهش حاضر ترسیم شده است.

در استان‌های آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، اردبیل، زنجان و قزوین استقرار دارند. همچنین این قومیت به صورت ادغام شده در استان‌های تهران، قم و اراک نیز جمعیت زیادی را در بر می‌گیرند.

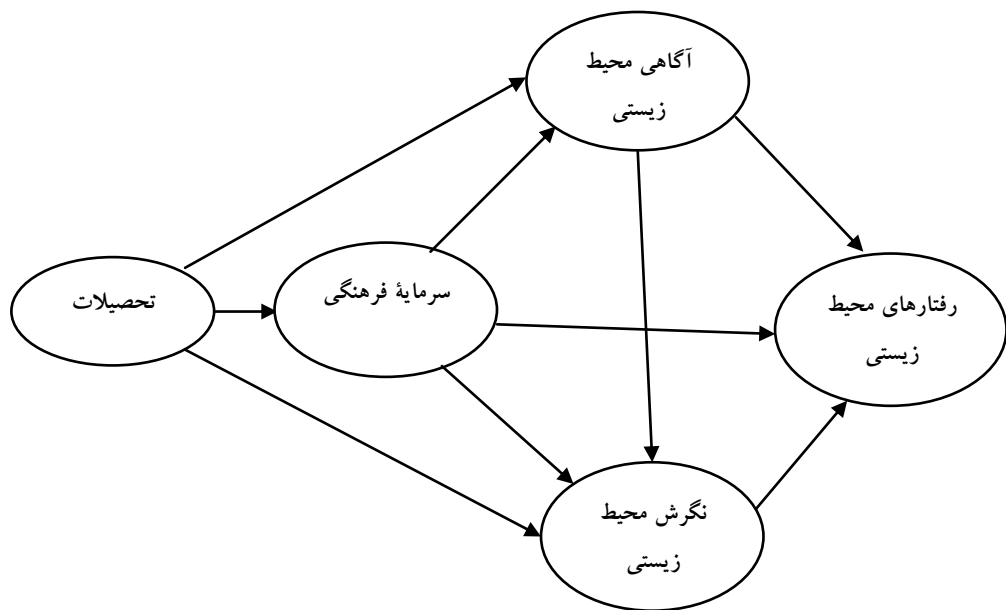
ب) گیلک: مردمان گیلک در جلگه مرکزی خزر، حاشیه ساحلی شرقی دریای خزر و ارتفاعات جنوب غربی خزر زندگی می‌کنند. گیلک‌ها براساس تفاوت‌های گویشی و ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی به دو گروه تقسیم می‌شوند: گیلک رشتی و لاهیجانی، گیلک گالشی یا دیلمی.

ج) تالش: تالش نام یکی از تیره‌های آریایی است که سکونت‌گاه اصلی آنها در البرز باختری از جنوب خاوری جمهوری آذربایجان آغاز شده است و تا جنوب باختری استان گیلان و استان اردبیل ادامه دارد. تالش‌ها در غرب استان و بیشتر در شهرهای تالش، املش و اسالم و ... ساکن‌اند (Iranica, 2016).

### جمع‌بندی

هر کدام از مفاهیم مطرح شده در این پژوهش از جنبه‌ای خاص رفتارهای محیط زیستی را میان گروه‌های قومی (گیلک، تالش و آذری) بررسی می‌کنند. با توجه به موضوع و سؤالات مهم در این پژوهش، مفاهیم مرتبط ارائه شده‌اند. برای انجام شدن پژوهش حاضر و پاسخ دادن به سؤالات





شکل ۱- الگوی نظری پژوهش

غذا و حمل و نقل استفاده شد؛ الف) حفاظت: حفاظت، مجموعه رفتارهایی از جمله حفظ منابع تجدیدناپذیر را شامل می‌شود. ب) شهروند محیط زیستی: درجه محیط زیستی بودن شهروندان از متغیرهای تأثیرگذار بر رفتارهای محیط زیستی است. ج) غذا: سطوح بالاتر شهروندان حامی محیط زیست، به احتمال زیاد در پی کاهش مقدار مصرف گوشت‌اند. د) حمل و نقل: از عوامل مستقیم تأثیرگذار بر تغییرات آب و هوایی، استفاده از وسایل حمل و نقل ماشینی است. گویه‌های رفتارهای محیط زیستی با مقیاس ۵گزینه‌ای (اصلاً= ۱، همیشه= ۵) سنجیده شده است.

#### ب) سرمایه فرهنگی

سرمایه فرهنگی همان مصرف کالاها و خدمات فرهنگی است که تحصیلات از اساسی‌ترین شاخص‌های آن است یا به معنای تصاحب کالاها و اطلاعات فرهنگی است که با معرفت‌های مربوط به کتاب و کتاب‌خوانی، فیلم و سینما، تئاتر و موسیقی به متغیرهایی با پنج مقوله خیلی کم، کم، تا اندازه‌ای، خیلی زیاد و زیاد تبدیل شده است (شویره و فونتن، ۱۳۸۵: ۲۸). این مفهوم با استفاده از سه مؤلفه سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته، سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته و سرمایه فرهنگی نهادی سنجیده شده است. برای

#### فرضیه‌های پژوهش

۱. بین گروه‌های قومی و رفتارهای محیط زیستی تفاوت وجود دارد.
۲. سرمایه فرهنگی بر رفتارهای محیط زیستی تأثیر دارد.
۳. آگاهی محیط زیستی بر رفتار محیط زیستی تأثیر دارد.
۴. نگرش محیط زیستی بر رفتارهای محیط زیستی تأثیر دارد.
۵. آگاهی محیط زیستی بر نگرش محیط زیستی تأثیر دارد.
۶. سرمایه فرهنگی بر آگاهی محیط زیستی تأثیر دارد.
۷. سرمایه فرهنگی بر نگرش محیط زیستی تأثیر دارد.

#### تعریف مفاهیم

##### الف) رفتارهای محیط زیستی

از نظر تعریف مفهومی، رفتارهای محیط زیستی مجموعه‌ای از کنش‌های افراد جامعه نسبت به محیط زیست است که طیف وسیعی از احساسات، تمایلات و آمادگی‌های خاص برای رفتار نسبت به محیط زیست را شامل می‌شود (عقبلی و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۴۰). برای سنجش متغیر رفتارهای محیط زیستی از ۱۹ گویه مؤلفه‌های حفاظت، شهروند محیط زیستی،

سنجش متغیر سرمایه فرهنگی از ۲۱ گویه با مقیاس ۵گزینه‌ای (همیشه = ۵، اصلاً = ۱) استفاده شد.

#### د) آگاهی محیط زیستی

آگاهی در لغت به معنای خبر و اطلاع، آشنایی و وقوف نسبت به مسئله است (معین، ۱۳۷۱: ذیل مدخل آگاهی). آگاهی زیست محیطی یعنی میزان اطلاعات فرد درباره مسائل محیط زیستی و عوامل مؤثر بر گسترش آنها و شناخت از چگونگی رفتار برای بهبود این معضلات (Kaiser et al., 1999: 3). آگاهی افراد شامل اطلاعات عمومی درباره اهمیت و نقش محیط زیست در زندگی انسان است که با ۷ سؤال ارزیابی شده است.

#### روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش از روش پیمایش استفاده و با توجه به ماهیت و موضوع پژوهش، داده‌های موردنیاز از طریق پرسش‌نامه جمع‌آوری شده است. جامعه آماری شامل شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اردبیل، رشت و تالش است که براساس آمار سال ۱۳۹۵ برابر ۱۳۵۸۵۲۵ نفرند. این جامعه با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۸۴ نمونه به دست آمد که برای پرهیز از کمبود در تعداد نمونه اصلی، تعداد ۳۹۱ پرسش‌نامه توزیع شد. روش نمونه‌گیری استفاده از نمونه‌گیری تصادفی از نوع انتساب متناسب با حجم بود که در جدول زیر تعداد هر شهر به تفکیک آورده شده است.

جدول ۱- فراوانی نمونه‌ها به تفکیک شهرها و جنسیت

فومیت	آذری	مرد	۸۱
		زن	۵۱
		جمع کل	۱۳۲
	گیلک	مرد	۱۰۶
		زن	۱۱۰
		جمع کل	۲۱۶
	تالش	مرد	۲۰
		زن	۲۳
		جمع کل	۴۳

استفاده شده (۰/۸۳ = ضریب آلفای کرونباخ) است و پایایی ابزار سنجش را نشان می‌دهد.

#### جدول ۲- پایایی ابزار اندازه‌گیری

#### ج) نگرش محیط زیستی

نگرش محیط زیستی مجموعه‌ای از احساسات، تمایلات، عقاید و قضاوت‌های فرد نسبت به پدیده یا رخداد محیط زیستی در زندگی است. این نگرش ممکن است در جهت حفاظت از محیط زیست وحشی، گیاهان و جانوران بومی، حفظ منابع طبیعی یا در جهت تخریب محیط زیست باشد (امام‌قلی، ۱۳۹۰). از نظر عملیاتی، برای سنجش نگرش محیط زیست از مقیاس ۱۵ گویه‌ای دانلپ و ون‌لیر (1978) استفاده شد. این مقیاس از پنج بعد تسلط انسان بر طبیعت، استثناگرایی انسان، موازنه طبیعت، مخاطره یک بحران محیط زیستی و محدودیت‌های رشد تشکیل شده و شامل گویه‌هایی با این مضامین است: ناتوانی کره زمین در تأمین نیازهای جمعیتی، حق انسان برای دخل و تصرف در محیط طبیعی مطابق با نیازهای خویش، محدودبودن منابع طبیعی زمین و لزوم حفظ این منابع، حق گیاهان و حیوانات، تعادل و توازن طبیعت، ضرورت هماهنگی انسان‌ها با طبیعت و بحران محیط زیستی پیش روی بشر (Seyfang, 2006: 386). پاسخ‌ها براساس طیف لیکرت از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم طبقه‌بندی شده‌اند.

برای سنجش پایایی سؤالات از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار محاسبه شده برای همه طیف‌های

متغیر	تعداد پاسخ‌دهنده	تعداد سؤال (گویه)	آلفای کرونباخ
نگرش محیط زیستی	۳۰	۱۲	۰/۸۰۶
سرمایه فرهنگی	۳۰	۲۱	۰/۸۷
آگاهی محیط زیستی	۳۰	۷	۰/۶۸
رفتار محیط زیستی	۳۰	۱۸	۰/۷۰
پایایی کل	۳۰	۶۴	۰/۸۳

درصد) درآمد ماهیانه کمتر از یک میلیون تومان دارند. همچنین نتایج پژوهش نشان می‌دهند ۶۶/۳ درصد پاسخگویان رفتار محیط زیستی متوسط دارند که این نشان می‌دهد نمونه مطالعه شده نسبت به مسائل محیط زیستی رفتار مناسبی دارند. یافته‌های متغیر نگرش محیط زیستی نشان‌دهنده این‌اند که بیش از نیمی (۵۶/۳ درصد) از افراد نمونه مطالعه شده نگرش محیط زیستی زیاد دارند که با میانگین ۴/۳۰ از ۵ نشان‌دهنده نگرش بالای نمونه پژوهش نسبت به محیط زیست است. همچنین یافته‌های مربوط به متغیر آگاهی محیط زیستی نشان می‌دهند ۴۴/۲ درصد پاسخگویان در سطح متوسط نسبت به محیط زیست آگاهی دارند. از یافته‌های دیگر این پژوهش مربوط به متغیر سرمایه فرهنگی است که حدود ۵۹/۵ درصد پاسخگویان سرمایه فرهنگی متوسط دارند. یافته مهم دیگر متوسط بودن میانگین سرمایه فرهنگی (۲/۹۹ درصد) است.

#### ب) یافته‌های تحلیلی

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. براساس جدول ۲، بین سرمایه فرهنگی، نگرش محیط زیستی و آگاهی محیط زیستی با رفتار محیط زیستی رابطه مثبت و مستقیمی وجود دارد.

برای تعیین اعتبار از اعتبار صوری استفاده شد و ۵ نفر از استادان دانشگاه مازندران، پرسش‌نامه تدوین شده را ارزیابی و بازبینی کردند که بعد از اصلاحات مورد نیاز در اختیار پاسخ‌دهندگان قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار اس پی اس اس و برای آزمون الگو، از نرم‌افزار ایموس ۲۲ استفاده شد.

#### یافته‌های پژوهش

##### الف) یافته‌های توصیفی

اطلاعات به دست آمده از متغیر قومیت پاسخ‌دهندگان به پرسش‌نامه پژوهش نشان داد حدود ۱۳۲ نفر از نمونه پژوهش (۳۳/۸ درصد) آذری، ۲۱۶ نفر (۵۵/۲ درصد) گیلک و ۴۳ نفر (۱۱/۰ درصد) تالش بوده‌اند. نتایج توزیع فراوانی آزمودنی‌ها نشان دادند بیشتر نمونه پژوهش (۵۲/۹ درصد) را مردان و بقیه (۴۷/۱ درصد) را زنان تشکیل می‌دهند. همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند بیشترین درصد فراوانی (۴۳/۶) نمونه پژوهش به گروه سنی ۱۸-۲۴ سال مربوط است. علاوه بر این نتایج پژوهش نشان دادند ۵۹/۰ درصد نمونه پژوهش ازدواج نکرده‌اند و ۴۰/۵ درصد متأهل‌اند. همچنین بررسی متغیر سطح تحصیلات نشان می‌دهد ۳۹/۳ درصد نمونه مدرک تحصیلی کارشناسی دارند که بیشتر آنها (۴۵/۶)

جدول ۳- نتایج آزمون همبستگی

متغیر	میزان همبستگی	سطح معناداری
سرمایه فرهنگی	۰/۱۹۵	** ۰/۰۰۱
نگرش محیط زیستی	۰/۳۳۶	** ۰/۰۰۰
آگاهی محیط زیستی	۰/۱۹۴	** ۰/۰۰۱

دارد؛ یعنی با افزایش سرمایه فرهنگی رفتارهای محیط زیستی نیز افزایش می‌یابد. همچنین یافته‌های این جدول نشان

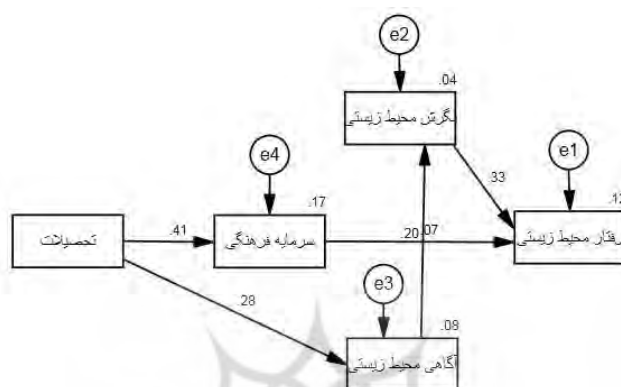
جدول ۳ نشان‌دهنده این مدعاست که بین سرمایه فرهنگی و رفتارهای محیط زیستی رابطه مثبت و مستقیم معنادار وجود

مستولانه‌تری از خود نشان می‌دهند.

### آزمون الگوی پژوهش

برای آزمون الگوی نظری پژوهش از نرم‌افزار ایموس استفاده شده است.

می‌دهند نگرش‌های محیط زیستی نیز با رفتارهای محیط زیستی رابطه مثبت و مستقیم دارند؛ یعنی با افزایش نگرش‌های محیط زیستی شاهد رفتارهای مسئولانه‌تری هستیم؛ درنهایت، آگاهی محیط زیستی با رفتارهای محیط زیستی رابطه مثبت و مستقیمی دارد. این مدعا نشان می‌دهد افراد دارای آگاهی محیط زیستی زیاد، رفتارهای محیط زیستی

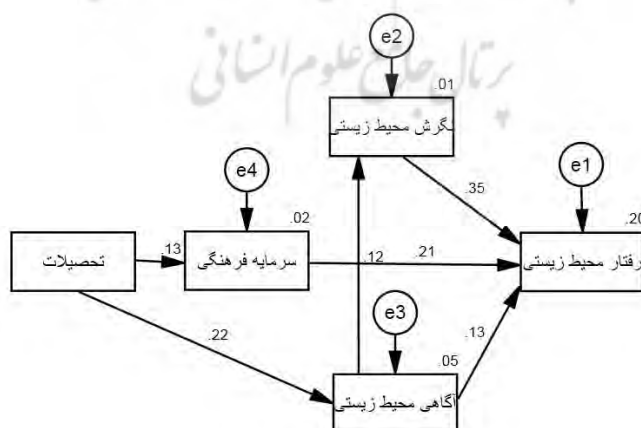


شکل ۲- الگوی تأثیر متغیرهای پژوهش بر رفتارهای محیط زیستی بین قوم آذری

زیستی را بر متغیر رفتار محیط زیستی نشان می‌دهد. ضریب تعیین متغیرهای حاضر در الگو ۰/۱۲ است؛ یعنی متغیرهای حاضر در الگو ۱۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. طبق شکل ۲ بیشترین تأثیر به نگرش محیط زیستی (Beta = ۰/۳۳) مربوط است.

نسبت کای اسکوتر بر درجه آزادی: ۲/۳۶۵؛ شاخص ریشه میانگین مربعات خطا: ۰/۰۸۳؛ شاخص نیکویی برازش اصلاح شده: ۰/۹۰۰

شکل ۲ بیان‌کننده الگوی تجربی پژوهش بین قوم آذری است. این الگو تأثیر مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای پژوهش یعنی سرمایه فرهنگی، نگرش محیط زیستی و آگاهی محیط

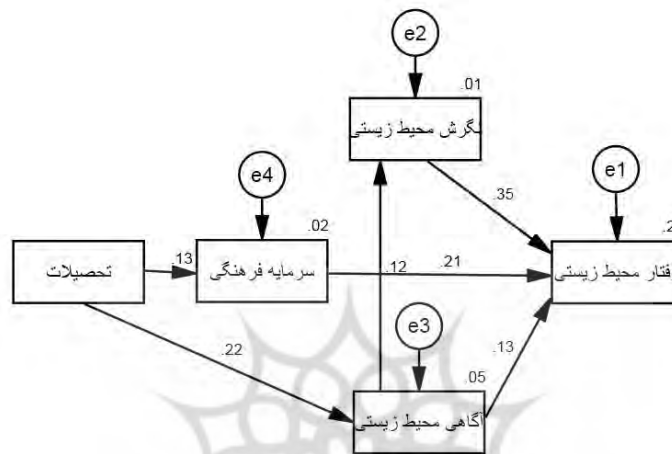


شکل ۳- الگوی تأثیر متغیرهای پژوهش بر رفتارهای محیط زیستی بین قوم گیلک

زیستی را بر متغیر رفتار محیط زیستی نشان می‌دهد. ضریب تعیین متغیرهای حاضر در الگو ۰/۲۰ است؛ یعنی متغیرهای حاضر در الگو ۱۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. طبق شکل ۳ بیشترین تأثیر به نگرش محیط زیستی می‌کنند.  $(\text{Beta} = ۰/۳۵)$  مربوط است.

نسبت کای اسکوتر بر درجه آزادی: ۰/۸۳۸؛ شاخص ریشه میانگین مربعات خطا: ۰/۰۰۰؛ شاخص نیکویی برازش اصلاح شده: ۰/۹۷۷

شکل ۳ بیان‌کننده الگوی تجربی پژوهش بین قوم گیلک است. این الگو تأثیر مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای پژوهش یعنی سرمایه فرهنگی، نگرش محیط زیستی و آگاهی محیط



شکل ۴- الگوی تأثیر متغیرهای پژوهش بر رفتارهای محیط زیستی بین قوم تالش

#### نتیجه

رفتار محیط زیستی از مفاهیم جدید مطرح شده در بررسی‌های محیط زیستی جوامع مدرن است که طرح آن در بسیاری از رویکردهای محیط زیستی نشان‌دهنده اهمیت نقش این رفتارها در محیط طبیعی است. در هر جامعه‌ای افراد می‌توانند بر خورد کاملاً مسئولانه یا کاملاً غیرمسئولانه یا رفتاری بینابین نسبت به محیط زیست داشته باشند. این طیف وسیع از برخورد نسبت به محیط زیست، از متغیرها و عوامل بی‌شماری تأثیر می‌گیرد که به‌طور عمده به محیط اجتماعی فرد مربوط می‌شود (عقیلی و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۳۷). از آنجا که پژوهش حاضر رفتارهای محیط زیستی را بین اقوام گیلک، تالش و آذری مقایسه کرده است و هر کدام از این اقوام در محیط اجتماعی متفاوتی‌اند، درواقع مسئله پژوهش هم این است که آیا با توجه به محیط اجتماعی متفاوت این اقوام، رفتارهای محیط زیستی بین آنان متفاوت است یا خیر. با این حال، ضروری به نظر می‌رسد به‌طور اجمالی به

نسبت کای اسکوتر بر درجه آزادی: ۰/۵۹۸؛ شاخص ریشه میانگین مربعات خطا: ۰/۰۰۰؛ شاخص نیکویی برازش اصلاح شده: ۰/۹۲۰

شکل ۴ بیان‌کننده الگوی تجربی پژوهش بین قوم تالش است. این الگو تأثیر مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای پژوهش یعنی سرمایه فرهنگی، نگرش محیط زیستی و آگاهی محیط زیستی را بر متغیر رفتار محیط زیستی نشان می‌دهد. ضریب تعیین متغیرهای حاضر در الگو ۰/۱۲ است؛ یعنی متغیرهای حاضر در الگو ۱۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. طبق شکل ۴ بیشترین تأثیر به آگاهی محیط زیستی  $(\text{Beta} = ۰/۲۴)$  مربوط است.

آماره‌های برازش در معادله ساختاری نشان می‌دهند آیا الگوی نظری با داده‌های نمونه تناسب دارد یا خیر. نتایج آماره‌های الگوی ساختاری پژوهش نشان می‌دهند تمام آماره‌ها در محدوده پذیرفتنی قرار دارند و داده‌های نمونه از الگوی نظری پژوهش حمایت کرده است.

مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش اشاره شود که مقایسه رفتارهای محیط زیستی بین اقوام گیلک، تالش و آذری است؛ براساس آزمون توکی که بین گروه‌های قومی مقایسه زوجی انجام می‌دهد، بین قومیت آذری و گیلک تفاوت معناداری وجود دارد و درواقع، رفتارهای محیط زیستی قومیت آذری بهتر و بیشترند. با مقایسه نگرش‌های محیط زیستی بین قومیت آذری با گیلک این نتیجه به دست آمد که بین نگرش محیط زیستی قومیت آذری با گیلک تفاوت معناداری وجود دارد؛ یعنی نگرش محیط زیستی قومیت آذری بهتر و بیشتر است؛ بنابراین، در تحلیل این داده پژوهش می‌توان گفت با توجه به اینکه نگرش محیط زیستی قومیت آذری بهتر و بیشتر از قومیت گیلک است، رفتارهای محیط زیستی قوم آذری از قوم گیلک بهتر و بیشتر است؛ اما نتایج مربوط به آزمون تحلیل عاملی نشان می‌دهند الگوی مربوط به قومیت گیلک با ضریب تعیین ۱۷ درصد بیشترین ضریب تعیین را دارد. این بدان معناست که متغیرهای موجود در پژوهش، ۱۷ درصد از متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. همان‌گونه که بار گفته است نگرش‌های محیط زیستی شامل جهت‌گیری‌های اساسی افراد درباره محیط زیست است که این جهت‌گیری سبب انجام رفتارهای مسئولانه نسبت به محیط زیست می‌شود (Barr, 2003: 239). نگرش محیط زیستی از متغیرهای تأثیرگذار بر رفتارهای محیط زیستی محسوب می‌شود. از آنجا که نگرش‌ها و باورها نشان‌دهنده تعهدند، می‌توان گفت در انتظار رفتار و اعمال ما انعکاس پیدا می‌کنند؛ از این رو، شخص دارای گرایش حفظ محیط زیست، احتمالاً به‌گونه‌ای رفتار می‌کند که در جهت حفاظت و نگهداری از محیط زیست باشد. همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند بین رفتارهای حامی محیط زیست قومیت آذری و تالش تفاوت معناداری وجود ندارد؛ درواقع، با بررسی نگرش محیط زیستی، آگاهی محیط زیستی و سرمایه فرهنگی می‌توان گفت هیچ تفاوت معناداری بین این دو قومیت وجود ندارد. از دلایل تحلیل این داده این است که بیشتر افراد ساکن در تالش آذری‌اند یا به زبان آذری صحبت می‌کنند. با توجه به شباهت‌های فرهنگی این دو قومیت، شاید یکی از دلایل تفاوت نداشتن رفتارهای محیط زیستی بین آنان

همین سکونت افراد آذری‌زبان در این قومیت باشد. از یافته‌های دیگر آزمون توکی بین رفتارهای حامی محیط زیست و قومیت این است که تفاوت معناداری بین میانگین رفتارهای حامی محیط زیست قومیت گیلک و تالش وجود دارد؛ به عبارت دیگر، رفتارهای حامی محیط زیست قومیت گیلک در مقایسه با قومیت تالش تفاوت معناداری دارند؛ درواقع، رفتارهای محیط زیستی قومیت تالش بهتر و بیشتر از قومیت گیلک‌اند؛ بنابراین، با بررسی نگرش محیط زیستی بین دو قوم تالش و گیلک این یافته مهم به دست آمد که نگرش محیط زیستی بین آنان متفاوت است؛ درواقع، نگرش محیط زیستی قومیت تالش از قومیت گیلک بهتر و بیشتر است. در تحلیل این داده می‌توان همان مطالبی را بیان کرد که در قومیت آذری با گیلک گفته شد. اینکه نگرش می‌تواند متغیر تأثیرگذاری در رفتار محیط زیستی باشد و از آنجا که نگرش محیط زیستی قوم تالش بیشتر و بهتر از قوم گیلک است، رفتارهای محیط زیستی بین این دو قوم متفاوت‌اند. یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش محمدی (۱۳۹۳) از پژوهش‌های داخلی، تیلور (1997)، کالوف و همکاران (2002)، جانسون و همکاران (2004)، ویتاکر و همکاران (2005)، گرینبرگ (2005)، جونز و رنی (2006)، وی دراس و بوردون (2006)، داس و دیرنزو (2009)، الیس و کوزرنی (2012) و ماسیاس (2015) از پژوهش‌های خارجی همخوانی دارد که عنوان کرده بودند بین گروه‌های قومی و رفتارهای محیط زیستی تفاوت وجود دارد؛ بنابراین، با توجه به این یافته پژوهش می‌توان این سؤالات را مطرح کرد که آیا بین رفتارهای محیط زیستی بین اقوام دیگر ایران هم تفاوت وجود دارد یا خیر. کدام یک از اقوام رفتارهای محیط زیستی مسئولانه‌تری دارند؟ کدام یک از اقوام رفتار محیط زیستی غیرمسئولانه‌تری دارند؟ آیا تفاوت رفتارهای محیط زیستی بین اقوام ممکن است از محیط زندگی آنان باشد یا با توجه به بیشتر یا کمتر بودن امکانات آنان یا آموزش آنان باشد؟ برای تشویق رفتارهای محیط زیستی مسئولانه بین اقوام ایرانی چه راه‌حلی می‌توان ارائه کرد؟

منابع

- ص ۱۶-۵.
- شویره، ک. و فونتن، الف. (۱۳۸۵). *واژگان بوردیو، ترجمه: مرتضی کتبی، تهران: نشر نی.*
- صالحی، ص. و امامقلی، ل. (۱۳۹۱). «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رفتارهای زیست محیطی؛ مطالعه موردی: استان کردستان»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۱۳، ش ۴، ص ۹۰-۱۱۵.
- صالحی، ص.؛ کویری، الف. و کریم‌زاده، س. (۱۳۸۹). «بررسی نقش جنسیت در جهت‌گیری‌های زیست محیطی؛ مورد مطالعه: شهر ارومیه»، *علوم و تکنولوژی محیط زیست*، ۱۸، ش ۱، ص ۱۶۱-۱۴۹.
- عقیلی، م.؛ خوش‌فر، غ. و صالحی، ص. (۱۳۸۸). «سرمایه اجتماعی و رفتارهای زیست محیطی مسئولانه در شمال ایران؛ مطالعه موردی: استان‌های گیلان، مازندران و گلستان»، *مجله علوم کشاورزی و منابع طبیعی*، ش ۱۶، ص ۲۳۶-۲۵۱.
- فیروزی، م. (۱۳۸۴). *حق بر محیط زیست، تهران: جهاد دانشگاهی.*
- کاتبی، ح. (۱۳۶۹). *زبان‌های باستانی، تهران: پازنگ.*
- کولتزر، د. (۱۳۶۹). *ارتباطات گفتاری، ترجمه: سید اکبر میرحسینی و قاسم کبیری، تهران: امیرکبیر.*
- محرابی، ع. و عزیززاده‌طسوج، م. (۱۳۹۴). «مفهوم قوم و قومیت در تاریخ ایران و الگوی مناسب سیاسی قومی»، *هشتمین کنگره انجمن ژئوپلتیک ایران: هم‌دلی اقوام ایرانی، انسجام و اقتدار ملی، سنج*.
- محمدی، ش. (۱۳۹۳). *بررسی جامعه‌شناختی رابطه سرمایه اجتماعی با رفتارهای زیست محیطی مسئولانه؛ مورد مطالعه: شهروندان ۱۵ سال و بالاتر شهر اهواز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.*
- معین، م. (۱۳۷۱). *فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر.*
- نواح، ع.؛ فروتن‌کیا، ش. و پورترکارونی، م. (۱۳۹۰). «بررسی رابطه بین میزان دینداری با ارزش‌ها و رفتارهای آزادارمکی، ت. و ممتاززهرمی، ن. (۱۳۹۲). «بررسی ارزش‌های اجتماعی در قومیت‌های مختلف شهر اهواز و ارائه راهکارهای مدیریتی جهت ارتقای آن»، *مجله مدیریت فرهنگی، س ۷، ش ۲۲، ص ۳۱-۵۱.*
- احمدی، ح. (۱۳۸۷). *قومیت و قوم‌گرایی در ایران از افسانه تا واقعیت، تهران: نشر نی.*
- امامقلی، ل. (۱۳۹۰). *بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رفتارهای زیست محیطی؛ مورد مطالعه: استان کردستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، بابلسر، دانشگاه مازندران.*
- بنسون، ج. (۱۳۸۲). *اخلاق محیط زیست، ترجمه: عبدالحسین وهاب‌زاده، مشهد: جهاد دانشگاهی.*
- پانوف، م. و پرن، م. (۱۳۹۲). *فرهنگ مردم‌شناسی، ترجمه اصغر عسگری‌خانقاه، تهران: سمت.*
- تراسبی، د. (۱۳۸۲). *اقتصاد و فرهنگ، ترجمه: کاظم فرهادی، تهران: نشر نی.*
- حاجی‌زاده‌میمندی، م.؛ سیارخلج، ح. و شکوهی‌فر، ک. (۱۳۹۳). «بررسی عوامل فرهنگی مرتبط با رفتارهای زیست محیطی؛ مورد مطالعه: شهر یزد»، *فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، د ۳، ش ۳، ص ۳۲-۹.*
- خبرگزاری ایلنا. (۱۳۹۵). <http://www.ilna.ir>.
- رمضان‌زاده، ع. (۱۳۷۵). «توسعه و چالش‌های قومی»، *خلاصه مقالات سمینار توسعه و امنیت عمومی، تهران: وزارت کشور، ص ۳۸-۴۱.*
- روحانی، ح. (۱۳۸۸). «درآمدی بر نظریه سرمایه فرهنگی»، *فصلنامه راهبرد، س ۱۸، ش ۵۳، ص ۷-۳۵.*
- ریتزر، ج. (۱۳۷۴). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: علمی.*
- سبزه‌ای، م.؛ قلی‌پور، س. و آدینه‌وند، م. (۱۳۹۵). «بررسی رابطه بین آگاهی، نگرش و رفتار حامی محیط زیست دانشجویان دختر دانشگاه قم»، *فصلنامه آموزش محیط زیست و توسعه پایدار، د ۴، ش ۴،*

- Linkages Between Race, Environmental Concern, Health and Justice in a Highly Polluted Community of Color.” *Journal of Black Studies*, 36 (4): 473-496.
- Kaiser, F. G. Wolfing, S. & Fuhrer, U. (1999) “Environmental Attitude and Ecological Behavior.” *Journal of Environmental Psychology*, 19: 1-9.
- Kalof, L. Dietz, T. Guagnano, G. & Stern, P. C. (2002) “Race, Gender and Environmentalism: The Atypical Values and Beliefs of White Men.” *Race, Gender & Class*, 9: 112-130.
- Macias, T. (2015). “Environmental Risk Perception among Race and Ethnic Groups in the United States.” *Ethnicities*, 16: 111-129. Doi: 1468796815575382.
- Markle, G. L. (2013) “Pro-Environmental Behavior: Does it Matter How It’s Measured? Development and Validation of the Pro-Environmental Behavior Scale (PEBS).” *Human Ecology*, 41 (6): 905-914.
- Salehi, S. (2010) *Pepole and the Environment: A Study of Environmental Attitudes and Behaviour in Iran*, Doctoral Dissertation, LAP Lambert Academic Publishing.
- Seyfang, G. (2006) “Ecological Citizenship and Sustainable Consumption: Examining Local Organic food Networks.” *Journal of Rural Studies*, 22: 383-395.
- Stehfest, E. Bouwman, L. Van Vuuren, D. P. Den Elzen, M. G. Eickhout, B. & Kabat, P. (2009) “Climate Benefits of Changing Diet.” *Climatic Change*, 95 (1-2): 83-102.
- Stern, P. (2000) “Toward A Coherent Theory of Environmentally.” *Journal of Social Issues*, 56 (3): 407-424.
- Stern, P. C. Dietz, T. Ruttan, V. W. Socolow, R. H. & Sweeney, J. L. (1997) “Environmentally Significant Consumption: Research Directions.” *National Academies Press*, 1: 124-137.
- Taylor, D. E. (1997) “American Environmentalism: The Role of Race, Class and Gender in Shaping Activism 1820-1995.” *Race, Gender & Class*, 5: 16-62.
- Theodorson, G. A. (1969) *A Modern Dictionary of Sociology*. New York, NY: Crowell.
- Videras, J. & Bordoni, C. J. (2006) “Ethnic Heterogeneity and the Enforcement of Environmental Regulation.” *Review of Social Economy*, 64 (4): 539-562.
- Whittaker, M. Segura, G. M. & Bowler, S. (2005) “Racial/Ethnic Group Attitudes Toward Environmental Protection in California: Is Environmentalism Still a White Phenomenon?” *Political Research Quarterly*, 58 (3): 435-444.
- زیست محیطی شهروندان؛ مورد مطالعه: شهر اهواز»، فصلنامه علمی - تخصصی مطالعات شهری، س ۱، ش ۱، ص ۹۸-۷۷.
- Barr, S. (2003) “Strateggies for Sustainability: Citizens and Responsible Environmental Behaviour.” *Area*, 35 (3): 227-240.
- Cho, S. & Kang, H. (2016). “Putting Behavior in to Context Exploring the Contours of Social Capital Influences on Environmental Behavior.” *Environment and Behavior*, 49: 1-31.
- Das, J. & DiRienzo, C. E. (2009) “Is Ethnic Diversity Good for the Environment? A Cross-Country Analysis.” *The Journal of Environment & Development*, 19 (1): 91-113.
- Dunlap, R. E. (2008) “The New Environmental Paradigm Scale: From Marginality to Worldwide Use.” *The Journal of Environmental Education*, 40 (1): 3-18.
- Dunlap, R. E. & Cotton, W. R. (2000) “Environmental Sociology.” *Annual Review of Sociology*, 5: 243-273.
- Dunlap, R. E. & Van Liere, K. D. (1978) “The New Environmental Paradigm: A Proposed Measuring Instrument and Preliminary Results.” *Journal of Environmental Education*, 9: 10-19.
- Ellis, A. & Korzeny, F. (2012). *Black, White, or Green: The Powerful Influence of Ethnicity on Proenvironmental Attitudes and Behaviors*. Sandestin of Florida: Association of Market Theory and Practice Proceedings.
- Greenberg, M. R. (2005) “Concern about Environmental Pollution: How Much Difference do Race and Ethnicity Make? A New Jersey Case Study.” *Environmental Health perspectives*, 113: 369-374.
- Hannigan, J. (2006). *Environmental Sociology*. New York: Routledge.
- Hayes, E. (2004). “On Forms of Capita.” available at: [www.answers.com/topic/pierre-bourdieu](http://www.answers.com/topic/pierre-bourdieu).
- Iranica, E. (2016) Gilan. Geography and Ethnography. <http://www.iranicaonline.org>.
- Johnson, C. Y. Bowker, J. M. & Cordell, H. K. (2004) “Ethnic Variation in Environmental Belief and Behavior an Examination of the New Ecological Paradigm in a Social Psychological Context.” *Environment and Behavior*, 36 (2): 157-186.
- Jones, N. (2010) “Environmental Activation of Citizens in the Context of Policy Agenda Formation and the Influence of Social Capital.” *The Social Science Journal*, 47 (1): 121-136.
- Jones, R. E. & Rainey, S. A. (2006) “Examining